کشمکش میان نهادها و هزینه سنگین و سهمگین خسارت‌ها

دکتر حکمت‌الله ملاصالحی، استاد دانشگاه تهران: تقابل و کشمکش میان نهادها، سازمان‌ها و تشکیلات اداری، اجرائی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی و حوزوی و دانشگاهی جامعه پساانقلاب ما بسیار پرهزینه بوده و آسیب‌ها و خسارت‌های بسیار سنگین و سهمگینی به کشور وارد آورده است.

با تأسف و تأثر عمیق اذعان می‌شود که دهه به دهه دامن این کشمکش میان نهادهای جامعه گسترده‌تر، پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر شده و به تبع آن آسیب‌ها و خسارت‌ها و ویرانی‌ها نیز سنگین‌تر و سهمگین‌تر و فشار هزینه‌ها و آوار ویرانی‌ها بر دوش مُلک و ملت، جانکاه‌تر و توان‌گیر و طاقت‌فرساتر از پیش شده است.

برخی نهادهای معنوی که پیشینه‌شان در تاریخ و فرهنگ ما بس کهن بوده و کارنامه‌شان بس قطور، اینک هنجار می‌شکنند و مشکل می‌سازند و معضل شده‌اند بر سر راه فرهنگ و زندگی شهروندان. متأسفانه در برخی موارد این نهادها به جای آنکه خار از سر راه جامعه برگیرند؛ باری شده‌اند بر دوش و معضلی شده‌اند پیچیده و خطرخیز در جامعه.

متأسفانه در برخی موارد شاهد استفاده نادرست از موقوفات بوده و شاهد هستیم یک روز از طریق فروش و واانهادن زمین‌های مزروعی و محوطه باستانی و میراث چندین هزار ساله مردم شهرستان زیاران استان قزوین و حصارکشی با فنس و ارعاب و روزی دیگر با کوبیدن این یا آن بافت تاریخیِ این یا آن شهر به بهانه توسعه فضای اماکن مقدس در تعارض با میراث فرهنگی قرار می‌گیرند. موضوعی که اخیرا در مورد موزه بابل شاهد آن بودیم!

موزه بابل موزه‌ای است که سه دهه بیشتر از تأسیس آن نگذشته و کارنامه‌اش در این سه دهه کوتاه بس درخشان بوده است و شهروندان بابلی چونان نگین شهر بابل و استان مازندران دوستش می‌دارند.

باید در نظر داشت که موزه‌ها پدیده‌های دنیای مدرن و برآمده از درون تحولات عظیم تاریخی و ارزش‌های مدرنیته هستند.

تحولات تاریخی و ارزش‌ها و دستاوردهای بی‌بدیل و بی‌سابقه‌ای که جامعه هشت میلیارد انسان و جهان ما بر خوان ضیافتش گرد آمده و کام برمی‌گیرند.

در پس پدیده کثیرالاضلاع و کثیرالافعال و کثیرالاهداف موزه‌های عالم مدرن یک جهان فکر و فرهنگ و فلسفه است و علوم و فنون پرشمار و ارزش‌های انسانی عمیق. نقششان در ایجاد همبستگی و نشاط اجتماعی و وفاق ملی و ارتقای آگاهی تاریخی و فکری و فرهنگی شهروندان بس عظیم بوده است و سهمشان در داد و ستد و گردش و چرخش روان و دَوان فکرها و فرهنگ‌ها و ذوق‌ها و ذائقه‌ها و علم‌ها و دستاوردهای علمی و فنی و فکری و مدنی و معنوی نیز بسیار گسترده بوده است و همچنان شتابان‌تر از پیش در میان جمعیت‌های جامعه و جهان روزگار ما دامن می‌گسترند. اتفاقا بسیاری از شهروندان بابل و فرهیختگان شهر به اهمیت و نقش و سهمی که موزه شهرشان در سه دهه اخیر در ایجاد همبستگی و نشاط اجتماعی و وفاق ملی بر شانه کشیده است نیک آگاه‌اند.

مردم این شهر مؤکدا از مسئولان وزارت میراث می‌خواهند از حقوقشان در برابر برخی نهادها دفاع کرده و نگذارند کار به اختلاف بین مردم کشیده شود که به مصلحت و منفعت نه مُلک است نه ملت. جامعه پهنه همکاری و همیاری و همبودی و همزیستی و گفت‌وگو و گفتمان صمیمانه و زنده و سازنده میان نهادهاست. هر فکر و فلسفه و فرهنگی که در این مسیر گام برگیرد به منفعت همه است.

نهادها علی‌القاعده اعم از سیاسی و اداری و اجرائی، حقوقی و قضائی، نظامی و انتظامی، اعتقادی و فرهنگی، علمی و پژوهشی و آموزشی، اقتصادی و معیشتی، صنفی و صنعتی برای خدمت به خود پدید نیامده و خادم خود نیستند.

آنها در خدمت جامعه و زیست جهان آدمیان پدید آمده‌اند. خادم هستند نه مخدوم. پدید آمده‌اند و فراخوانده شده‌اند؛ گره از کار جامعه بگشایند. هرکدام در حیطه و حد صلاحیت و مسئولیتی که بر شانه گرفته‌اند می‌باید فعالیت کنند.

نهاد حوزه موزه نیست. نهاد موزه هم حوزه نیست. آن یک نهادی کهن است و دیرپا و این نهادی مدرن و نوپا. اوقافیان و حوزویان می‌توانند دست تعامل و گفت‌وگوی نیکو به سوی میراثیان و موزویان بگشایند و بسیار از آنها بیاموزند.

اتفاقا هنگام بازدید از موزه بابل چنین پیشنهادی به ریاست پیشین و اکنون موزه مطرح و داده شد. از آنها خواسته شد همت کرده ابتکار عمل را در دست گیرند و گام در میدان گفت‌وگو نهند. فرمودند کوشیده‌ایم و همچنان سعی می‌ورزیم باب گفت‌وگو را با اوقافیان و حوزویان گشوده نگاه داریم؛ شاید ثمر دهد. به گاه بازدید از موزه فرصت و توفیق دست داد با یکی از بانوان نیکوکار و نیکخواه شهر که به هزینه شخصی مسئولیت حمایت و سرپرستی شماری از کودکان شهر را که از نارسایی دهنی و ناتوانی جسمی رنج می‌برند، بر شانه گرفته‌اند؛ دیداری خوش و چهره به چهره اتفاق افتد.

وی عمیقا نگران تسخیر و تبدیل موزه به حوزه بودند و از آنچه اتفاق می‌افتاد رنج می‌بردند. او برای پیشگیری از افسردگی کودکانی که سرپرستی آنها را بر عهده گرفته است؛ آنها را به موزه می‌آورد. آنها از دیدن آثار موزه و فضای موزه و راهنمایی خوب و گرم و صمیمانه راهنمایان موزه احساس نشاط می‌کنند.

در این میان مسئولان وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی می‌توانند با گشودن مسیر تعامل و همکاری با اداره اوقاف که متولی بسیاری از اماکن مذهبی و بعضا تاریخی کشور است، مسیر همکاری دوجانبه را فراهم کرده و با تبادل خدمات، بتوان با تکیه بر اندیشه و تدبیر، گره از مشکلات این‌چنین گشود. در این میان وزارت میراث مجهز به دانش و فناوری مرمت ابنیه تاریخی است و بسیاری از بناهای متعلق به اوقاف نیز نیازمند رسیدگی و مرمت!

در این میان چه نیکوست که با اجرای سیاست‌هایی که منجر به افزایش وفاق و دوستی در بین مردم می‌شود، کارشناسان میراث به مرمت ابنیه تاریخی اوقاف پرداخته و در ازای آن برخی اماکن اوقاف مانند موزه بابل که در اختیار وزارت میراث است، به کاربری خود ادامه داده و برندگان اصلی مردم و میراث ایران خواهند بود.

فراموش نکنیم که این میراث امانتی در دست ماست و ما تنها وظیفه داریم آن را به سلامت در اختیار نسل آینده قرار دهیم.

کوتاه سخن آنکه:

سر چشمه شاید گرفتن به بیل
چو پر شد نشاید گذشتن به پیل

معماری اشکانی در خارج از مرزهای ایران امروز

نسترن امانی‌بنی، دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی: دوره اشکانی یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ معماری ایران است. در این دوره طولانی پایه و شالوده معماری ریخته می‌شود، از طرفی این دوره به دلیل کمبود مدارک، یکی از تاریک‌ترین دوران تاریخی از نظر مطالعات باستان‌شناسی است. پلان رایج در معماری دوره‌های قبل از هخامنشی و مرحله اول معماری هخامنشی، مستطیل‌شکل است. تغییر این پلان به پلان مربع در دوره داریوش بزرگ به عنوان حرکتی نو در مرحله دوم معماری هخامنشی، مقدمه‌ای برای استفاده از این نوع پلان به شکلی کامل‌تر و ایجاد گنبد در معماری پارتی شد. این حرکت نتیجه بازخورد فرهنگی اندیشه یونانیان در زمینه استفاده از اعداد و اشکال بوده است، این تغییر در دوره بعد معماری ایران با ابداع گوشه‌سازی در زیر سقف موجب ایجاد گنبد روی پلان‌های مربع شد. هدف در این پژوهش شناسایی و شناخت آثار معماری اشکانی در خارج از ایران و همچنین بررسی پلان‌ها و تزئینات به‌کاررفته در آن بناهاست. سعی نگارنده بر آن بوده تا با تکیه بر مکتوبات سلسله اشکانیان به بررسی جامعی از بناهای این دوره بپردازد. این پژوهش در یافته‌اندوزی از شیوه کتابخانه‌ای بهره برده و به صورت توصیفی_ تحلیلی انجام گرفته است، از جمله پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش که شامل: چگونگی ساخت و پلان مورداستفاده در هریک از بناها (اعم از مسکونی، آرامگاهی و...)، نحوه تزئینات به‌کاررفته در نماهای داخلی و بیرونی بناها و همچنین نوع مصالح استفاده‌شده در ساخت این آثار ارزشمند چگونه بوده است؟ که حائز اهمیت است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد اشکانیان در معماری خود به‌نوعی نوآوری دست یافته بودند از جمله دستیابی به گنبد روی گوشواره‌ها، تکوین ایوان‌های طاق‌دار و وجود حیاط‌های بزرگ با ایوان‌هایی اطراف آن، همچنین در ساخت آثار خود از ستون به وفور استفاده کرده‌اند که از هنر یونانی_ رومی تقلیدهای بسیاری شده است. درباره پارتیان آنچه بسیار روشن به نظر می‌رسد آن است که اشکانیان از شرق ایران طلوع کردند و در یکی از سخت‌ترین شرایط تاریخی این سرزمین دولت سلوکی را که جانشین امپراتوری هخامنشی شده بود، برانداخته و اساس دولتی را بنیاد نهادند که تا زمان برآمدن ساسانیان همچنان پایدار و پابرجا بود. بعد از حمله اسکندر، یونانیان سعی داشتند به‌نحوی سلیقه و فرهنگ خود را بر ایرانیان تحمیل کنند اما در عمل می‌بینیم که این امر به‌صورت دلخواه آنان انجام نگرفت اما بااین‌حال عوامل برتر هنر یونانی را گرفتند و در هنر خود درآمیختند و به شکلی نو درآوردند. ازاین‌رو شایسته است آن را هنر پارتی بنامیم. معماری اشکانی انواع مختلفی دارد از جمله بناهای مسکونی، اداری، تشریفاتی و یکی دیگر از گونه‌های آن معماری مذهبی است که بناهای آرامگاهی جزئی از آن به حساب می‌آید؛ منظور از آرامگاه هر ساختمان یا سازه‌ای با معماری دست‌ساز یا دست‌کند است که برای تدفین استفاده می‌شود. این‌گونه بناهای یادمانی جایگاه ویژه‌ای در شناخت تاریخ معماری آرامگاهی دارد. هدفی که در این پژوهش دنبال می‌کنیم، پی‌بردن به نوع پلان و تزئینات به‌کاررفته در ساخت بناهای دوره اشکانی است که اهمیت بسیاری دارد. روش به‌کاررفته در این پژوهش کتابخانه‌ای بوده و به‌صورت توصیفی_ تحلیلی انجام شده است.

تیسفون

در آغاز فقط یک اردوگاه نظامی پارتی بود که مقابل سلوکیه در ساحل دجله، شهر عظیم و پرآوازه ساخته شد. هترا، قلعه‌ای مستحکم در جوار سرحد بین دو شاهنشاهی بود که غالبا دفاع دولت ایران در مقابل سپاهیان رومی به این شهر اتکا داشت (جوادی، ۱۳۸۰: ۲۸۷).

معماری مذبور مانند عهد هخامنشی دو طرح دارد:

طرح اول شامل سرایی است دارای حیاط که این طرح از آن بین‌النهرین است و طرح دیگر یعنی طرح ایرانی که صورت کلاسیک داشته شامل سرایی است با ایوان، این طرح در زمان ساسانیان رواج بسیار یافت و تاکنون نیز معمول است. تاریخ ساختمان‌های طاق‌دار که سبک حقیقت ساختمانی ایرانی است، از زمان سلسله اشکانیان شروع می‌شود. در حقیقت دو نمونه از ساختمان‌های طاق گنبددار که تا این تاریخ در کشور ایران شناخته شده، یکی کاخ اولین پادشاه ساسانی است که در اواخر دوره اشکانیان ساخته شده و دیگری کاخ کوه خواجه در سیستان است که بیشتر شباهت به ابنیه یونانی دارد تا به ابنیه ایرانی ولی در بین‌النهرین خرابه‌هایی از بناهای زمان اشکانی به شیوه یونانی دیده می‌شود که از نظر اصول ساختمانی دارای طرح ایرانی است ولی به آن ظاهر یونانی داده‌اند. بدون تردید در معماری پارت‌ها چندین مکتب و طریق وجود داشته که سبک‌ها و شیوه‌های محلی را نیز پذیرفته است. استعمال مواد و مصالح ابنیه نیز متغیر است. دیوارهایی که با قلوه‌سنگ‌ها یا سنگ‌های کنار دریا ممزوج با ملاط ساخته‌شده بسیار رایج‌تر از ساختمان‌هایی است که با سنگ‌های تراشیده، چنان‌که در هاترا دیده می‌شود، بنا شده‌اند. دیوارهای ابنیه سنگی یا آجری با گچ‌بری یا نقاشی روی گچ مزین است. در بابل و آشور نیز از این سبک نمونه‌هایی یافته‌اند. آثار معماری معبد پارت‌ها در خود فلات ایران هنوز به دست نیامده ولی معابد پارت‌ها در نسا و تاکسیل شهر قدیم پنجاب و همچنین بناهای معبدی پارت‌ها در شهرهای بین‌النهرین مانند آشور و هاترا و دورااروپوس و اوروک کشف شده است. با وجود اختلافات زیادی که در مصالح ساختمانی و جزئیات امور معماری این معابد مشهود است، باید گفت از لحاظ سبک و شیوه یک جنبه عمومی رعایت شده است؛ به‌طوری‌که همه آنها روی یک سکو قرار گرفته و از اتاق‌های مستطیل یا مربع شکل که از دیوار خارج به‌وسیله یک کریدور طاق‌دار غیرمستقیم تفکیک می‌شد، تشکیل شده بودند. اغلب آن معابد دالان‌های سرپوشیده ستون‌دار داشتند، نردبانی که در دیوار خارجی معبد ساخته شده بوده به بام منتهی می‌شد و در آنجا محرابی بود که آتش مقدس در آنجا می‌سوخت و مراسم مذهبی در اطراف معبد و هوای آزاد انجام می‌شد (قدیانی، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

سرخ کتل

سرخ کتل در دره کهندژ_آب در کرانه شعبه اصلی جیحون در افغانستان، نزدیک به راه کابل به مزارشریف قرار دارد. این محل در نتیجه فعالیت‌هایی که در سال‌های دهه ۱۹۵۰م به‌منظور تعریض جاده صورت گرفت، کشف شد. پروفسور دانیل اشلومبرژه رئیس هیئت فرانسوی در افغانستان در این محوطه دو مجتمع بزرگ مذهبی کشف کرد. یکی مقبره اصلی بر نوک تپه‌ای شیب‌دار و دیگری مقبره کوچک‌تر که در کف دره واقع شده بود. این مجموعه‌ها توسط دو ردیف خط دفاعی (حصار) که دور آن قرار داشت، محصور شده بود. دیوارهای این حصار به‌وسیله برج‌هایی حراست می‌شدند. معبد چهار ستونی که سکوی قربانی (مذبح) در آن واقع شده است، از سه طرف راهرو دارد، با گذشت زمان ویژگی‌های معماری بلخی خود را گرفت که عبارت است از تالاری مربع محاط به راهروهایی که به گذرگاه‌هایی تقسیم می‌شدند. در این بنا از مجسمه‌ها و دیوارنگاره‌ها، برای تزئین ایوان‌ها، تالار اصلی و معبد استفاده شده است (نوراللهی، ۱۳۹۴: ۶۴).

نسای قدیم

کاخ شاهی استحکامات بیشتری داشته و با ابنیه مذهبی برپا شده بوده است. تزئینات مربع‌شکل و جان‌پناه درگاه‌ها گیلویی‌ها همه از گل پخته ساخته شده و ترکیبی از یک مجموعه تزئینی را نشان می‌دهد که علامت مشخصه آن قراردادن آن اشکال در هنر پارتیان است. موضوع جالب توجه در عناصر معماری نسا این است که مطلقا در این مکان از گچ استفاده نشده است. در اینجا یک تالار مرکزی که چند بار مرمت شده چهار ستون دارد که سطح صاف سقف روی آنها تکیه کرده بود. طرح این بنا به‌صورت سه رواقی است که دیوارهایش از پایین به بالا به دو قسمت تقسیم شده است که در طبقه بالا طاقچه‌های تزئینی محل قرارگرفتن مجسمه‌ها را دارد که بیشتر گلی و رنگی بوده‌اند. در سمت جنوب کاخ، خانه‌ای چهارگوش با چهار ایوان ساخته شده بود که مشرف به حیاط مرکزی بود، از درون این اطاق‌ها اشیای سفالی زیادی به دست آمده است، همچنین مجسمه‌های کوچک هلنی، ظروف شیشه‌ای و ۴۰ جام یا ساغر عاجی یافته شده است (سرفراز، فیروزمندی، ۱۳۷۳: ۳۱۷).

نسای جدید

آنها در اوایل از شیوه‌های هنر یونانی پیروی می‌کردند، اما پس از مدتی به هنر معماری به‌ویژه به معماری سنتی و ملی ایران تمایل نشان دادند. در این دوره از معماری رسمی ایران، ساختن گنبد متداول شد. نخستین جلوه‌های هنر معماری پارتی را در نسا اولین پایتخت پارتیان می‌بینیم. کاخ شاهی نسا هرچند از دیدگاه تزئینات تا حدی تحت تأثیر هنر یونانی است اما خود بنا با شگفتی بسیار طرحی چهار ایوانی بر گرد یک حیاط دارد؛ طرحی که از نسای اشکانی آغاز شده و همچنان به‌صورت طرح رسمی و سنتی ایران شناخته می‌شود و تا خارج از ایران و در بین‌النهرین گسترش یافته است.

نسای جدید روی نسای قدیم بنا شده، به این ترتیب که به بقایای یک دیوار قدیمی ساختمان جدید نسا متکی شده که جلوی آن رواقی وجود داشته که به‌وسیله ستون‌هایی نگهداری می‌شود که پایه‌های مدوری دارند و سرستون‌های آنها از نوع سرستون‌های ایونی شرقی‌اند با تزئینات پیچی (ولوت‌دار)، در پشت این رواق چند اتاق مربوط به آیین تدفین مردگان وجود دارد که آنجا را گور_ معبد نامیده‌اند. این اتاق‌ها که طولشان از اندازه معمولی زیادتر است، مانند آرامگاه‌های پالمیریان در سوریه است و نظایر آن را در جزیره خارک داریم. این آرامگاه‌ها را مربوط به نجیب‌زادگان پارتی می‌دانند که مایل بودند در شهری که مقابر شاهی وجود دارد، مدفون شوند (قدیانی، ۱۳۸۵: ۲۰۰).

کاخ سلوکیه

کاخی که اشکانیان در سلوکیه ساختند، عبارت بود از حیاطی که به گرد آن اتاق‌های احداث شده بود، درهای اتاق به این حیاط باز می‌شد و در دو سوی در ورودی هر تالار ستون‌هایی بر پا بود، در این بنا هنوز آثار معماری یونانی دیده می‌شود، این کاخ در اواسط قرن اول میلادی تجدید ساختمان شد و ستون‌های دو سوی درهای ورودی بر اثر توسعه اتاق‌ها جزء تزئینات دیواری شد، نوآوری دیگر اینکه در کنار تالارها ایوان‌های ستون‌دار عریضی پدید آمد، این ایوان‌های ستون‌دار از این پس جای خاصی در معماری سنتی ایران برای خود یافت (همان: ۲۰۲).

آی‌خانم

آی خام در شمال شرقی افغانستان و در استان طالقان امروزی و در سرحدات شرقی باکتریا (باختر) واقع است. واژه خانم به معنای ماه‌خانم است. در سال ۱۹۶۴ کاوش در آی‌خانم به سرپرستی پاول برنارد آغاز شد، دانیل اشلومبرژه در اوایل دهه ۱۹۶۰ از این محل دیدن کرد و معتقد است در آی‌خانم بقایای یک شهر بزرگ یونانی است که احتمالا به دست اسکندر بنا نهاده شده است. کاوش‌ها بر قسمت‌های پایینی شهر متمرکز بوده است. از جمله این بناها: ورزشگاه، یک معبد، یک حرم یا مقبره بزرگ که احتمالا متعلق به فرماندار شهر بوده است و مجموعه بزرگی از بناها معروف به بخش اداری در این قسمت یافت شده‌اند. در اینجا به نظر می‌رسد یونانیان مدلی برای ساختن کاخ‌های خود نداشته‌اند و در طرح و نقشه کاخ‌های خود از کاخ‌های بابل جدید و هخامنشی که برای اولین بار آنها را دیده بودند، الهام گرفتند. کاخ آی خانم مانند کاخ هخامنشی شوش، از چندین حیاط وسیع و بزرگ، ساختمان‌هایی برای کارکنان رسمی، بناهای مسکونی و تأسیسات اقتصادی تشکیل شده است. ورودی حیاط بزرگ اصلی در سمت شمال قرار داشت، ردیف ستون‌هایی با سر ستون‌های کرنتین که رواق‌های چهار سمت آن را تشکیل می‌دهد، جلب توجه می‌کند. در پشت رواق جنوبی یک هشتی با سه ردیف ستون شش‌تایی (تالار روباز) که سرستون‌های کرنتین دارند که نسبتا بلند و دارای رنگ‌آمیزی تزئینی هستند، تالار روباز به تالار بزرگ منتهی می‌شد، برخلاف تالار روباز که سه ردیف شش‌تایی ستون داشت در این اتاق ستونی پیدا نشده و الوارهای ذغال شده سقف که در کف اتاق یافت شده نسبتا باریک است و ضخامت آنها بیش از ۲۰ سانتی‌متر نیست و از آنجا که اثری از طاق‌زنی هم دیده نمی‌شود، هنوز معمای نوع پوشش سقف حل نشده است.

دیوارهای تالار بزرگ با نیم‌ستون‌های شیاردار تزئین شده بود و سطوح گچ‌کاری‌شده را با طرح‌های هندسی و استفاده از رنگ‌های سیاه، سفید، زرد و قرمز به طرزی شاد رنگ‌آمیزی کرده بودند. در تعدادی اتاق واقع در غرب این تالار حمام‌های کاملا مجزا قرار داشت. یکی دیگر از بناهای آی خانم که مشخصه فضاسازی شهری یونانی است، یعنی فواره، دارای لوله‌های تزئینی حجاری‌شده هستند که آب از آن از طریق چشمه‌های زیرزمینی واقع در پای باروی ساخته‌شده در ساحل رودخانه آمودریا تأمین می‌شده است. زرادخانه آی‌خانم در کنار خیابان اصلی شهر و در کنار ارگ شهر واقع است. اموات در خارج از دیوار شهر دفن می‌شدند و هر خانواده آرامگاهی داشته که در آن چندین دهلیز کوچک در دو طرف یک راهرو میانی ساخته شده بود. ساختمان آرامگاه‌ها خشتی و پلان آنها مستطیل‌شکل است که این نوع معماری ویژه منطقه آسیای مرکزی است (نوراللهی، ۱۳۹۴: ۶۲).

گونه‌شناسی آرامگاه‌های اشکانی

براساس ساختار معماری می‌توان آرامگاه‌های اشکانی را به دو گونه آرامگاه دست‌کند یا دخمه‌ای و آرامگاه دست‌ساز یا ساختمانی تقسیم کرد. هرکدام از آرامگاه‌ها نیز زیرمجموعه‌هایی دارند. به طوری که آرامگاه دست‌کند به دو گروه آرامگاه‌های صخره‌ای و زیرزمینی و آرامگاه‌های دست‌ساز به سه گروه آرامگاه‌های روی زمین، زیر زمین و ترکیبی تقسیم می‌شوند. آرامگاه‌های روی زمین و زیر زمین با مصالح ساختمانی احداث شده‌اند و آرامگاه‌های ترکیبی، تلفیقی از آرامگاه‌های روی زمین و زیر زمین است. چنان‌که بخشی در زیر زمین و بخشی دیگر در روی زمین و با مصالح بنایی ساخته شده است. از لحاظ کاربری نیز آرامگاه‌ها را می‌توان در دو گونه آرامگاه صرفا تدفینی و آرامگاه با صحن مرکزی تقسیم کرد (سبحانی. رضائی‌نیا، ۱۴۰۰: ۴).

آرامگاه‌های رواق‌دار

آرامگاه نسا در دیوار شمال شرقی شهر نسای جدید در حدود سده سوم یا دوم ق.م ایجاد شده است. نمای آرامگاه به صورت رواق ستون‌دار و به سبک ایونی با دو ردیف ستون ساخته شده است. ردیف جلو به صورت ستون آزاد و ردیف دوم بر بالای پنج رشته پلکان که سرتاسر نمای آرامگاه را در برگرفته، به صورت ستون‌نما ایجاد شده است. دسترسی به داخل آرامگاه از طریق یک رشته پلکان دوطرفه است. فضای داخلی آرامگاه شامل اتاقی چهارگوش یا صحن مرکزی است که اطراف آن را اتاق‌های تدفینی در بر گرفته و حجره‌هایی برای قراردادن تابوت در آنها تعبیه شده بود (همان: ۹).

آرامگاه‌های راست‌گوشه

در کنار آرامگاه رواق‌دار نسا، گورستان شهر نسا قرار دارد. مقابر آن از ساختارهای راست‌گوشه بزرگ خشتی تشکیل شده که با خشت ساخته شده‌اند. داخل هریک از آنها، یک یا دو اتاق طاق‌دار تدفینی قرار دارد. دیوارها و کف‌ها با اندود قرمز پوشانده شده‌اند. آرامگاه‌های نسا در اواخر سده سوم_ اوایل سده دوم ق.م ساخته شده‌اند و تا اواخر دوره اشکانی، احتمالا حتی تا اوایل ساسانی ثروتمندان از آن استفاده می‌کردند.

آرامگاه‌های هاترا از یک طبقه همکف تشکیل شده است که گاهی به آن طبقه فوقانی اضافه می‌شد. فضای داخلی آن شامل چند اتاق تدفین است که به صورت متقارن سازماندهی شده‌اند. پوشش سقف‌ها به صورت تخت، طاق‌دار و مانند گنبد است. در ساخت مقابر هاترا از بلوک‌های سنگی تراش‌خورده استفاده شده است. نمای خارجی آنها با ستون‌نما تزئین شده‌اند. این آرامگاه‌ها در سده دوم میلادی تاریخ‌گذاری شده‌اند. آرامگاه‌های شهر آشور نیز تقریبا شکل مربع دارند و از سه تا شش اتاق تدفین تشکیل شده‌اند. پلان آنها شبیه مقبره‌های هاترا است. اما هیچ‌کدام طبقه فوقانی ندارد.

مقابر آشور از آجر و ملات گچ ساخته و با گچ‌اندود شده‌اند. پوشش اتاق‌ها از نوع طاق گهواره‌ای است. بزرگ‌ترین آرامگاه آشور، پلان پیچیده‌تری نسبت به دیگر مقابر دارد. به طوری که پلان آن شامل دالان ورودی، یک اتاق بزرگ مرکزی و راهروی گردشی که اتاق بزرگ را در میان گرفته و هشت اتاق است که به صورت قرینه در سه طرف راهرو قرار گرفته‌اند. این آرامگاه‌ها در سده دوم میلادی تاریخ‌گذاری شده‌اند (همان: ۱۱).

آرامگاه‌های برجی

این‌گونه مقابر عمدتا در قلمرو غربی شاهنشاهی اشکانی شناسایی شده‌اند. آرامگاه‌های برجی فراوانی از گورستان‌های شهر پالمیر و بر فراز تپه‌های کوچک قرار دارند. این آرامگاه‌ها بناهای بلند به شکل مکعب یا مکعب مستطیل‌اند که احتمالا بیش از ۱۰ متر ارتفاع دارند. معمولا در چندین طبقه ساخته شده‌اند و با یک رشته پلکان به یکدیگر مرتبط می‌شوند. داخل برج‌ها شامل چندین اتاق طویل و باریک است که یکی بالای دیگری قرار گرفته است. مقابر برجی پالمیر در دو نوع از سنگ‌های تراش‌خورده مکعبی و نیز سنگ‌های زمخت کوهی چندوجهی ساخته شده‌اند. همچنین در منطقه فرات میانی، شمار اندکی از بقایای مقابر برجی چهارگوش در حاشیه گورستان شهر دورااروپوس کشف شده‌اند. همگی آنها از بلوک‌های سنگی ساخته و اندود شده‌اند (همان: ۱۴).

آرامگاه‌های ترکیبی

گروه سوم آرامگاه‌های دست‌ساز شامل آرامگاه‌های ترکیبی است. این آرامگاه‌ها از تلفیق آرامگاه برجی با آرامگاه سردابه‌ای ایجاد شده است. این‌گونه از آرامگاه‌ها تنها در پالمیر به دست آمده‌اند. آرامگاه‌های ترکیبی از طریق یک راه‌پله زیرزمینی که در مرکز آرامگاه برجی ایجاد شده است، به آرامگاه سردابه‌ای منتهی می‌شود. این فضا از یک هشتی، تالاری شرقی_ غربی در محور ورودی و تالاری شمالی _ جنوبی عمود بر آن تشکیل شده است (همان: ۱۹).

پرستشگاه خورشید در الحضر (هاترا)

در حاشیه رودخانه فرات معبد الحضر که فرانسویان آن را هاترا می‌گویند یکی از بناهای بسیار باارزش دوره پارت است که برخلاف سایر ابنیه بین‌النهرین که به علت کمبود سنگ و چوب با آجر ساخته می‌شد، در اینجا با سنگ‌های حجاری‌شده بنا شده است. بخش عمده معبد با دو ایوان قرینه شروع شده، در آغاز بنا با آجر بوده ولی بعدا تغییر عقیده دادند و سنگ آهک جای مصالح آجری را گرفته است و ایوان‌های آجری مبدل به تالارهایی با طاق ضربی شدند. سبک معماری در هاترا به گونه‌ای است که هر ایوان محور اصلی بناست و اگر لازم باشد می‌توان ایوان‌های دیگری را به آن اضافه کرد. به این ترتیب کاخ هاترا از دو ایوان با اتاق‌های جنبی تشکیل شده، چون تک‌تک بنا به‌هم‌پیوسته نشان می‌داده است، و بعدها دو ایوان دیگر نیز در کنار آنها اضافه شده است. این نما با دو دسته از سه طاقی‌های خود که در هر دسته یک ایوان بزرگ در میان و دو اتاق با پوشش‌های طاق استوانه‌ای کوچک‌تر در دو سوی خود دارد، تشکیل شده است. سطح صاف و صیقلی داخلی بخش اصلی پرستشگاه با حجاری‌ها و کنده‌کاری‌ها نمایی جالب دارد. اطراف درها با تزئینات فراوان و ماسک‌ها آراسته شده و نمای آن با نیم‌ستون‌های گرد برجسته و طاق‌نماها و سایر تزئینات آرایش یافته است. ساختمان چهارگوش متصل به ایوان‌های پرستشگاه خورشید هاترا یکی از گروه‌های ممتاز ساختمان‌های دینی پارتی است، البته در آیین بابلی‌ها صحن مقدس الحضر به خدای آفتاب شمش هدیه شده بود، در اینجا هم یک اتاق چهارگوش مرکزی که بر فرازش طاق ضربی بود با دالانی احاطه شده بود و دو پلکان در دیوار ساخته بودند که یکی از آنها به بام راه پیدا می‌کرد، نواقصی در وضع آن مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد بنای الحضر یا فاقد نقشه ساختمانی بوده یا در اثر اشتباهاتی این عیوب ساختمانی پیش آمده است. از آن جمله زحمتی است که برای ایجاد دری در دیوار عقب ایوان جنوبی برای تهیه مدخلی به صحن مقدس کشیده‌اند، به این ترتیب که نخست در را در وسط صحن باز کردند، سپس دریافتند که این در نسبت به مرکز دیوار عقب ایوان قناس و در یک طرف افتاده است نه در وسط و عیب آن چشمگیر است، پس تصمیم گرفتند این مدخل را ببندند و طاقی را که بر فراز آن زده بودند باقی گذاردند و یک در دیگر در مرکز ایوان جنوبی باز کردند. با این وجود کاخ هاترا یکی از بناهای مهم و قابل مطالعه و بررسی دوره پارت محسوب می‌شود. کاخ دیگری که در بین آثار با ارزش و نمایانگر هنر پیشرفته معماری دوره پارت‌هاست کاخ آشور در کنار فرات است (سرفراز، فیروزمندی، ۱۳۷۳: ۳۲۰).

نتیجه‌گیری

به سبب پهناوری و وسعت بسیار شاهنشاهی اشکانی و گوناگونی سنت‌های مناطق تحت سیطره آنها، یک سبک معماری نمی‌توانسته وجود داشته باشد. بنابراین معماری پارتی تحت تأثیر سنت‌های کهن آسیای مرکزی، ویژگی معماری نواحی داخلی ایران، سنت‌های معماری یونانی و ویژگی‌ها و سبک‌های معماری بین‌النهرین بوده است. همین عامل سبب اشتباه محققان در انتساب بسیاری از بناها به دوره پیش و پس از پارتیان شده، تنوع استفاده از مواد و مصالح بومی یکی دیگر از ویژگی‌های معماری دوره اشکانی است، این موضوع سبب پدیدآمدن سبک‌ها و سنت‌های گوناگونی در این دوره شده است. معماران پارتی عناصر رومی (ستون و تیر اصلی) و مانند آنها را دگرگون کرده و در تزئینات به کار بستند، ستون‌ها تبدیل به نیم‌ستون‌های چسبیده به دیوار یا جرز و تیر اصلی با فریز تزئین شد و تالارهای یونانی تبدیل به ایوان شد که در واقع از ابداعات پارتیان است. از طرف دیگر استفاده از گچ باعث شد معماران پارتی بتوانند برای پوشش سقف‌ها از تاق و گنبد استفاده کنند.

مسجد سنگان؛ بنای دو ایوانی از عصر خوارزمشاهی

رجبعلی لباف‌خانیکی
باستان‌شناس و پژوهشگر میراث فرهنگی

سازه‌های معماری به‌مثابه حافظه تاریخی ما و یادآور وقایع تلخ و شیرینی هستند که در طول تاریخ رخ داده‌اند که می‌توان به مواردی مانند حمام فین کاشان که نماد قتل امیرکبیر است، تخت جمشید که تجلی‌گاه نمادهای اسطوره‌ای و یادآور اقتدار امپراتوری ایران است، آرامگاه فردوسی، آرامگاه یعقوب لیث و... که برای ارتقای فرهنگ ایرانی و زنده‌کردن زبان فارسی تلاش کردند، اشاره کرد. مسجد جامع سنگان را هم با توجه به ۷۵۰ سال قدمت می‌توان نماد پایداری دانست. این مسجد در شمار بناهایی است که از حدود ۷۵۰ سال پیش با سماجت بر جای مانده و علاوه بر اینکه زیبایی‌های خود را به رخ می‌کشد، از زلزله‌های متوالی منطقه خواف و تنازع بقای خود در مواجهه با آن زلزله‌ها حکایت می‌کند. به استناد کتاب «تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران» تألیف نیکلاس امبرسز و چارلز ملویل، زلزله‌هایی در سال‌های ۱۴۶ هجری قمری، ۴۵۸ ه.ق، ۷۳۷ ه.ق، ۹۵۶ ه.ق، ۱۰۲۶ ه.ق، ۱۰۲۸ ه.ق و ۱۳۰۲ ه.ق منطقه خواف را لرزانده؛ اما گویا شدیدترین زلزله در خواف به سال ۷۳۷ هجری قمری به مرکزیت شهر «جیزد» واقع بین رشتخوار و سلامه رخ داده است. آن زمین‌لرزه که پهنه وسیعی از زوزن تا دوغ‌آبادِ زاوه را لرزانده و بسیاری از ابنیه و عمارات را با خاک یکسان کرد، به قدری مهیب و ویرانگر بوده است که اشخاصی مانند «ابوالخیر زوزنی»، «مجد خوافی» و «فصیح خوافی» از آن یاد کرده و آمار بسیاری از کشتار مردم داده‌اند. گفته می‌شود همان زلزله موجب شده است که بناهای با عظمتی مانند مسجد جامع زوزن، مدرسه نظامیه خرگرد، مسجد گنبد سنگان و مسجد رشتخوار تخریب شده و ایوان قبله و غرفه‌های دوطرفه ایوان و رواق‌های مسجد جامع سنگان نیز رانش کرده و در شرف فروریزی قرار گرفته‌اند؛ اما ظاهرا با ریختن دوغاب گچ در شکاف‌ها و مهار دیوارها با ایجاد پشتیبان، از ویرانی نجات یافته و تاکنون به گونه‌ای غیرعادی با ایوانی ذوزنقه‌ای‌شکل و رواق‌های تاب‌دار و متمایل به طرفین بر جای مانده است.

مسجدی دو ایوانی از عصر خوارزمشاهی با سبک خراسانی

مسجد جامع سنگان در «کوچه آب» شهر سنگان خواف واقع است. این مسجد از نوع مساجد دو ایوانی عصر خوارزمشاهی یا «سبک خراسانی» است که به شیوه مسجد جامع گناباد با دو ایوان و دو رواق بر دو جانب مسجد ساخته شده است. صحن مسجد مستطیل‌شکل به طول ۶۰/۱۴ و عرض ۵۰/۱۱ متر و ایوان قبله با دهانه ۳۳/۴ و ارتفاع ۸۸/۷ متر است. ایوان مقابل ایوان قبله کوچک‌تر بوده که سقف آن منهدم شده و ساختار آن دگرگون شده است. هریک از رواق‌های طرفین مسجد مشتمل بر شش غرفه مرتبط با یکدیگر است که در مجموع یک معبر سرپوشیده را شکل می‌دهد.

تزئینات آجری

همه رویه دیوارها و پایه‌های ایوان‌ها و غرفه‌ها مزین به آجرهای تراش در ابعاد و اشکال متنوع بوده که اکنون تعداد کمی از آنها بر جای خود نصب است و تعدادی از تزئینات جابه‌جا شده است. از جمله آجرهای مشبک با نگین‌های زیبای فیروزه‌ای‌رنگ که مانند مسجد جامع گناباد درون قاب عمودی نمای پایه‌های ایوان قبله نصب بوده و نیز آجرهای تراش تزئینی، لچکی‌های دوطرفه طاق غرفه‌ها، اکنون بر لچکی‌های دوطرفه طاق ایوان قبله نصب شده که با آجرهای تراش تزئینی اولیه آن موضع متفاوت است؛ حتی قطعه‌هایی از کتیبه‌های آجری قالب‌زده عصر سلجوقی از یک بنای تخریب‌شده دیگر (احتمالا مسجد گنبد سنگان) نیز بر لچکی‌های دوطرفه طاق ایوان قبله نصب شده است، تزئینات آجری خاص این مسجد به اشکال لوزی، مثلث، گل و برگ، نیم‌دایره و ماکویی تراشیده شده‌اند.

درون‌گرا و آکنده از تزئینات متنوع آجری

بر پاکار سقف جناقی چند قسمتی ایوان قبله نواری تزئینی در هیئت نقش آجری خفته راسته و پلکانی نقش بسته و بر انتهای ایوان محراب کم‌عمقی تعبیه شده و با مقرنس، شمسه و نقش محرابی و ماکویی گچی آراسته شده است. شواهد باقی‌مانده حکایت از این دارد که مسجد جامع سنگان نیز مانند دیگر مساجد سبک خراسانی درون‌گرا و آکنده از تزئینات متنوع آجری بوده است. مسجد جامع سنگان در بیستم مهر ۱۳۷۶ به شماره ۱۹۲۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و به‌تازگی به همت اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی مرمت و تثبیت شده است. بدون‌تردید این مسجد یکی از جاذبه‌های گردشگری است که هر بیننده را به شگفتی وامی‌دارد.

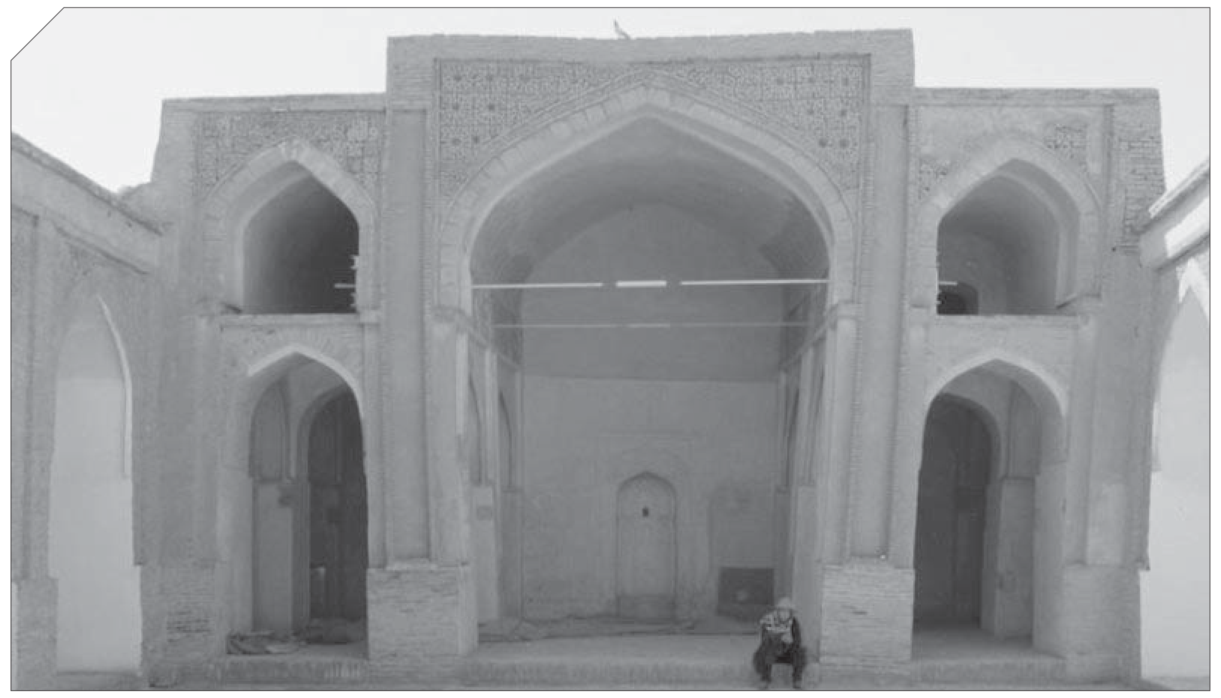

کشف گورستان دوهزارساله در قلب پاریس

یورونیوز: دانشمندان در فاصله چندمتری یک ایستگاه شلوغ قطار در قلب پاریس موفق به کشف ۵۰ قبر در یک گورستان باستانی شدند. این آرامگاه دریچه‌ای نادر به زندگی ساکنان لوتتیا، پایتخت فرانسه در حاشیه رود سن در قریب به دو هزار سال پیش می‌گشاید. جالب است که طی این همه سال با وجود عملیات‌های فراوان احداث جاده و حتی تأسیس ایستگاه قطار پورت‌رویال در سال ۱۹۷۰، این گورستان مدفون هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته بود. تا اینکه برنامه‌ریزی برای احداث یک خروجی جدید برای ایستگاه قطار منجر به انجام کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه شد.

کامی کولونا، انسان‌شناس مؤسسه ملی تحقیقات باستان‌شناسی پیشگیرانه فرانسه (INRAP) در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که به دلیل نزدیکی این مکان به گورستان جنوبی لوتتیا، از پیش ظن وجود مکانی باستانی در این محل بسیار قوی بود.

گورستان «ژاک مقدس»، بزرگ‌ترین مدفن در شهر باستانی گالو رومی لوتتیاست که بخشی از آن پیش‌تر در دهه ۱۸۰۰ کشف شده بود. در آن زمان تنها اشیای گرانبهای دفن‌شده با اجساد بیرون کشیده شده بودند و اسکلت‌ها و دیگر هدایا و مصنوعات مدفون با اجساد به حال خود رها شده بودند. این قبرستان بعدها به مرور زمان مجدد با خاک پوشیده شد و از یاد رفت.

مؤسسه ملی تحقیقات باستان‌شناسی پیشگیرانه فرانسه موفق به اکتشاف بخشی شده است که پیش‌تر هیچ‌گاه کشف نشده بود. دومینیک گارسیا رئیس این مؤسسه می‌گوید: «از دوران باستان تاکنون هیچ‌کس اینجا را ندیده بود».

خانم کولونا می‌گوید که تیم باستان‌شناسی موفق به کشف اسکلتی با سکه‌ای در دهانش شده است. به همین دلیل آنها توانستند تاریخ دفن این اسکلت را حدود قرن دوم میلادی تخمین بزنند. باستان‌شناسان طی این کاوش که در ماه مارس آغاز شده است موفق به کشف ۵۰ قبر شده‌اند. با وجود آنکه سوزاندن اجساد در آن دوران مرسوم بوده است، تمام این قبرها برای دفن مردگان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در اساطیر یونانی، خارون قایقران هادس، خدای مرگان است. او روح درگذشتگان را از رود استوکس که مرز جهان و دنیای مردگان است، نزد هادس می‌برد. مردم برای دستمزد او سکه‌ای را در دهان مردگانشان می‌گذاشتند و به آن سکه خارون می‌گفتند. باستان‌شناسان معتقدند بقایای یافت‌شده در این گورستان متعلق به مردان، زنان و کودکان پاریسی است. مردمی از سرزمین گال که در لوتتیا در کرانه رود سن تحت حکمرانی امپراتوری روم می‌زیستند. این اسکلت‌ها در تابوت‌های چوبین دفن شده بودند که اکنون تنها میخ‌هایشان باقی مانده و در کنار بیش از نیمی از آنها نیز هدایایی همچون کوزه‌ها و جام‌های سرامیکی با مردگان دفن شده‌اند. باستان‌شناسان با یافتن میخ‌های کوچک در برخی از این قبرها متوجه شدند که گاهی کفش‌هایی هم با مردگان در قبرها دفن شده‌اند. خانم کولونا می‌گوید که این کفش‌ها برخی اوقات در پای مردگان و بعضی وقت‌ها هم کنار آنها گذاشته می‌شده است.

جواهرات، سنجاق سر و کمربند نیز در این گورستان یافت شده است. در برخی موارد نیز اسکلت خوک یا حیوان کوچک دیگری در کنار این قبرها کشف شده است. این حیوانات عموما در ظرف‌هایی قرار دارند. باستان‌شناسان بر این باورند این حیوانات نذوراتی بودند که برای خدایان قربانی شده‌اند. برخلاف اکتشافات دهه ۱۸۰۰، این‌بار باستان‌شناسان تصمیم گرفتند همه‌چیز را از این قبرستان خارج کنند.

کامی کولونا می‌گوید: «محورها و داده‌های مختلفی وجود دارند که ما را به درک بهتر زندگی پاریسی‌ها در این دوران رهنمون می‌کنند؛ برای مثال می‌توان به نحوه دفن آنها اشاره کرد. اجساد در موقع دفن در چه حالتی قرار گرفته‌اند؟ چرا برخی قبرها عمیق‌ترند؟ چرا قبرها گروه‌بندی شده‌اند؟ چرا برخی از آنها با هم در یک گروه قرار دارند؟ چرا ما فکر می‌کنیم دسته‌بندی وجود دارد؟ همه این اطلاعات از شیوه خاکسپاری به دست می‌آیند. در نتیجه درک تمام و کمال نحوه خاکسپاری و شیوه قرارگرفتن اجساد برای ما چگونگی مراسم خاکسپاری را آشکار می‌کند. این موضوع دریچه‌ای برای درک بهتر جامعه پاریسی در آن زمان به روی ما می‌گشاید و مطالعه و بررسی دی‌ان‌ای آنها نیز اطلاعات زیادی به ما می‌دهد».

آقای گارسیا با اشاره به اینکه اطلاعات باستانی از تاریخ پارس عموما شناخته‌شده نیستند، می‌گوید: «گشودن این قبرهای مدفون پنجره‌ای به پاریس در دوران باستان می‌گشاید».

هیچ نقش‌برجسته‌ای از زنان در تخت جمشید حجاری نشده است

ایلنا: ابوالحسن اتابکی، دانش‌آموخته زبان‌های باستانی و دکتری تاریخ، مطرح کرد: در کاخ‌های تخت جمشید هیچ نقش‌برجسته‌ای از زنان حجاری نشده اما در بسیاری از مهرها، تابلت‌ها، فرش‌ها و همچنین در برخی از ساتراپی‌های تابع هخامنشی نقش برجسته زنان ترسیم شده است.

ابوالحسن اتابکی با اشاره به آنکه مجموعه کاخ‌های تخت جمشید شامل کاخ‌های متعددی است که کاربری آنها از یکدیگر متمایز است، گفت: نخستین کاخ‌ها آنهایی هستند که به منظور تشریفات مورد استفاده قرار می‌گرفتند که از آن جمله می‌توان به آپادانا، صدستون و سه‌دروازه اشاره کرد که در آنجا شاه با بزرگان کشوری و لشکری، زنان درباری و همچنین خراج‌گذاران و هدیه‌آوران تابع شاهنشاهی هخامنشی دیدار می‌کرد. دسته دوم، کاخ‌های با دفاتر اداری همچون خزانه و تالار سی‌ودو ستونی که محل کارکنان امور اداری و درباری تخت جمشید بود و دسته سوم، کاخ‌های نشیمن‌گاه همچون کاخ تچر، هدیش، H و G که کاخ اختصاصی شاهنشاهان هخامنشی بود و در آنجا نه‌تنها محل نشیمن‌گاه و اتاق خواب‌های شاه بزرگ بلکه محل برگزاری مراسم سمپوزیوم و سفره‌های شکوهمند شاهی بوده است.

اتابکی گفت: در تاقچه‌ها و دیواره‌های کاخ‌های اختصاصی تخت جمشید نقوش خدمتکاران سفره شاهی به تصویر کشیده شده که برخی به اشتباه به خاطر «پوشش باشلیق مانند»، این نقوش را «تصاویر زنان آن هم محجبه» پنداشته‌اند! این افراد بعضی با ریش و سبیل و برخی بدون ریش ترسیم شده‌اند که در واقع مردان خدمتکاری هستند که نویسندگان یونانی هم‌زمان با دوره هخامنشی درباره آنها بسیار قلم‌فرسایی کرده‌اند. این مردان خدمتکاران مشک، انواع ظروف غذا، جام‌ها، پیاله‌ها و همچنین گاهی یک بره، بزغاله و آهویی کوچک را به دوش گرفته‌اند و به سوی کاخ روانه هستند. در اینجا حمل یک بزغاله و آهو بدان معنی نیست که یک موجود زنده را هنگام صرف غذا برای شاه بزرگ می‌بردند، بلکه نشانه‌ای از لوکس‌نشینی و شکوهمندی سفره شاهنشاه هخامنشی است که این‌گونه به نمایش گذاشته می‌شود. چنانچه مورخی چون هرودوت «پدر تاریخ» در این مورد می‌گوید: «بزرگان پارس یک اسب، یک شتر، یک گاو را با تمام هیکل در اجاق می‌پزند و گوشت آنها را بین افراد تقسیم می‌کنند» و این‌گونه سخاوت و بزرگی سفره خود را به نمایش می‌گذارند.

«اتنه» دیگر مورخی رومی به نقل از «دینون» و «کتزیاس» می‌گوید «هر روز هزاران حیوان برای شاه بزرگ ذبح می‌شد، از قبیل گاو، شتر، گوزن و پرندگان بسیاری همچون شترمرغ عربستان، اردک و خروس...» این مورخ اذعان دارد که روزانه ۱۵ هزار نفر بر سر سفره شاه هخامنشی بغذا می‌خوردند که این نشان از قدرت سیاسی و مادی اوست که شاه بزرگ را فراتر از دیگر مردمان به نمایش بگذارد.

اتابکی گفت: الواح تخت جمشید نیز تداعی‌کننده چنین نمایش شکوهمندی است، چنانچه الواح به شکل مستند، گزارشی متنوع از خدمتکاران توزیع غذاها، تعداد آشپزها، نانوایان، طباخان، ساقیان، عطرسازان و صاف‌کنندگان شراب و همچنین تنوع غذاها، چگونگی تهیه آنها و مقدار مصرف کارکنان کارگران و دیگر مردان و زنان شاه را پیش‌روی ما می‌گذارند و نشان می‌دهند سالانه ترازنامه‌ای از کارکردها و چگونگی تحویل آذوقه از انبار شاهی را طی سند رسمی در اختیار سازمان اداری قرار می‌دادند.

نجمه ابراهیمی (کارشناس ارشد تاریخ) نیز در همین زمینه گفت: به گفته مورخان یونانی و بعدها رومی، مردان خدمتکاری که برای توزیع غذای سفره‌های شاهی حاضر می‌شدند، باید قبلا حمام می‌گرفتند، خود را معطر می‌کردند و لباس سفید بر تن می‌کردند. آشپزهای ماهر و چیره‌دست همواره در جست‌وجوی غذای تازه برای سفره شاهی بودند و به هنگام صرف غذا که با حالت درازکش روی ناز بالش و تختخواب بود، انواع موسیقی‌ها همراه با چنگ، فلوت و آواز برای شاه نواخته می‌شد که خدمتکارانی مسئول تهیه ملافه‌ها، بالش‌ها و نحوه پهن‌کردن و جمع‌آوری آنها بودند. شاه بزرگ در هر سرزمینی که به سر می‌برد همواره غذاهای متنوع و متمایزی را میل می‌کرد که پیش‌تر دولت -شهرها باید آنها را تهیه می‌کردند. حتی وقتی شاه به جنگ می‌رفت تمام خانه‌اش را همراه با آشپزان، خدمتکاران، مواد غذایی و چارپایان گوناگون به همراه داشت.

وی گفت: یکی از مورخان از ستون مفرغی که برنامه غذایی روی آن حک شده بود و از زمان کوروش معمول شده، یاد می‌کند که شامل انواع آردها، میوه‌ها، شراب، چارپانان گوناگون، پرندگان متنوع، چاشنی‌های غذایی، انواع روغن‌ها، مواد لبنی و حتی هیزم‌ها بوده است.

ابراهیمی خاطرنشان کرد: برخی از خدمتکاران که در مراسم باده‌نوشی (سمپوزیوم) بعد از شام شاهانه شرکت می‌کردند، باید جام را با سه انگشت می‌گرفتند، دهان خود را می‌پوشیدند و پیش از ریختن مشروبات، خود از آن می‌نوشیدند که مبادا سمی وارد باده شاه بزرگ نشود، چنانچه درمورد غذاهای سفره شاه نیز خدمتکاران باید پیش از آنکه شاه غذا بخورد، اندکی از غذا را میل می‌کردند تا شاه بزرگ از هرگونه گزند به دور بماند.